



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

متعہ

یک ضرورت اجتماعی



احمد پھلشی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

متعہ، یک ضرورت اجتماعی

نویسنده:

احمد بہشتی

ناشر چاپی:

Ansariyan

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانہ ای قائمیہ اصفہان

فهرست

۵	فهرست
۶	متعهد، یک ضرورت اجتماعی
۶	مشخصات کتاب
۶	متعهد، یک ضرورت اجتماعی
۸	علت یا حکمت
۹	پاورقی
۱۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

متعه، یک ضرورت اجتماعی

مشخصات کتاب

مؤلف: احمد بهشتی

متعه، یک ضرورت اجتماعی

در سال ۱۳۵۸ کتابی به نام ازدواج موقت به قلم بانو ساجیکوموراتا منتشر شد که در بررسی ابعاد مسأله، جالب و قابل توجه بود. نگارنده این کتاب ژاپنی است، ولی به مدت پنج سال در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، در رشته فقه و مبانی اسلامی نزد اساتید آن دانشکده، تحصیل کرده و درباره متعه نیز به عنوان رساله فوق لیسانس، مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای انجام داده است. برای کسی که در محیط ما زندگی می‌کند و درباره ازدواج موقت گرفتار القآت و تلقینات غلطی هست و شبهاتی از این سو و آن سو به گوشش خورده و احیاناً سوء استفاده‌هایی نیز از این و آن شنیده یا مشاهده کرده است، همواره عقده‌ها و نگرانی‌هایی وجود دارد و شاید در اعماق دلش طرفدار این باشد که اصولاً وجود چنین قانونی چه لزوم و ضرورتی دارد و آیا وجود چنین قانونی، نوعی اهانت به زن نیست! اما برای کسی که در محیط‌های غیر اسلامی زندگی کرده و دیدگاه‌های متفکران اجتماعی را شناخته و به نیازها و ضرورت‌های زندگی نوع بشر توجه کامل دارد، وجود قانون ازدواج موقت در اسلام، یکی از امتیازات و برجستگی‌هاست. به همین جهت، وی در آغاز پیش‌گفتار کتاب مزبور می‌نویسد: موضوعات بسیاری است که شرقیان، آن را دلیل عقب ماندگی خود دانسته و به دور انداخته‌اند و یا لاقلاً توجهی به آن ندارند، ولی متفکران غربی، پس از تحقیقات و بررسی‌های زیاد در تاریخ گذشته و مشاهده واقعیت‌های اجتماعی کنونی، بدین نتیجه رسیده‌اند که همان امور، کلید حل مشکلات امروزی است. موضوع متعه نیز از این قبیل است که از لحاظ وضع ازدواج و طلاق در دنیای امروزی و مقتضیات اجتماعی عصر ما بسیار قابل توجه است. و در صفحه ۸۵ می‌نویسد: گستاخی گردش روزگار شهادت می‌دهد به این که: در مغرب زمین به اصطلاح امروزی، آخرین مد ازدواج، ازدواج قراردادی است؛ به این معنا که زن و مرد با هم توافق می‌کنند و برای مدت معینی ازدواج می‌نمایند در حالی که در سرزمین شیعه مذهب، متعه را به دست آویز تساوی زن و مرد، کم‌کم و به تدریج از بین می‌برند و نکته قابل توجه در این قضیه آن است که در نتیجه تساوی زن و مرد و آزادی کامل زن در مغرب زمین، ازدواج قراردادی به وجود آمده است. و نیز در صفحه ۹۲ می‌نویسد: در حقوق مدنی غیر از مذهب شیعه، ازدواج موقت به معنای اخص وجود ندارد، ولی در واقع، مردم به طور آشکار و یا به طور پنهانی ازدواج موقت می‌کنند و چون این از نظر قانون جایز نیست، پس مانند زناست و اگر بچه پیدا شد، بعضی زنان سقط جنین می‌کنند و یا اگر بچه متولد شد، بچه نامشروع خواهد بود. سرانجام در صفحه ۹۴ می‌نویسد: به نظر نگارنده، آنچه اکنون مغرب زمین، سخت به آن احتیاج دارد و به درد آن می‌خورد، نظام متعه است و اگر آنها بتوانند نظام متعه را به نحوی در حقوق مدنی پیاده کنند، بسیار مفید خواهد بود.... البته به فرض این که چنین قانونی تحقق پیدا کند، چند مسأله باقی می‌ماند؛ مانند این که: احیاناً مرد از این قانون سوء استفاده کند و زنان می‌گویند که این خلاف تساوی زن و مرد است. در این مسأله، نهایت چیزی که می‌توانیم بگوییم این است که: متعه عقد است و احتیاج به ایجاب و قبول دارد و در تصمیم اولی، زن کاملاً آزاد است و علاوه بر آن شرط وقوع عقد، تراضی طرفین است و در معامله، هر دو عاقد، حق تساوی دارند؛ پس زن به اختیار خود می‌تواند متعه را قبول کند یا نکند؛ بنابراین، نمی‌توانیم بگوییم که نظام متعه، مستقیماً با تساوی زن و مرد منافات دارد. مسأله دوم این است که: هرگاه متعه در حقوق مدنی پیاده شود، ممکن است مردم، بیشتر به متعه علاقه پیدا کنند و کمتر نکاح دایم اختیار نمایند، زیرا متعه هم آسانتر است و هم راحت‌تر و معمولاً نفس انسان به آنچه آسان‌تر و راحت‌تر است،

زودتر انس پیدا می کند و بر اثر رواج کامل نظام متعه، ازدواج دایم محتملاً از بین می رود و اهدافی که نکاح دایم دارد، به کلی از دست می دهد و مفهوم ازدواج کاملاً عوض می شود. جواب این مسأله بسیار مشکل است. اشکالی که برای وی پیش آمده، از این نظر است که درباره ازدواج دایم و مسأله تشکیل خانواده و نیازی که زن و مرد به جذب و انجذاب و یگانه شدن دارند، مطالعه نکرده و ازدواج دایم را تا سطح ازدواج موقت، فقط برای رفع نیاز جنسی تنزل داده و تصور نموده که نیاز زن و مرد به یکدیگر، فقط در حد رابطه تن به تن و آمیزش جنسی است و بس، و توجه نکرده است که قرآن، زن و مرد را وسیله سکون و آرامش یکدیگر می داند و چنین نیست که با رفع عطش جنسی، از یکدیگر سیر و بیگانه شوند و به خصوص که با به وجود آمدن فرزندان، مسؤلیت های مشترک نیز آغاز می شود. از دقت در روایات، روشن می شود که طرح ازدواج موقت به عنوان یک ضرورت اجتماعی است و برای جلوگیری از روابط نامشروع و عدم سقوط در ورطه زناست. راوی از امام کاظم (ع) درباره متعه سؤال کرد، امام (ع) فرمود: *هِيَ حَلَالٌ مُّبَاحٌ لِمَنْ لَمْ يُعْنِهِ اللَّهُ بِالتَّزْوِجِ فَلْيَسِّرْ تَعْفُفٌ بِالْمُتْعَةِ، فَإِنْ اسْتَعْنَى عَنْهَا بِالتَّزْوِجِ فَهِيَ مُبَاحٌ لَهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا*؛ [۱]. متعه، بدون هیچ قید و شرطی حلال و مباح است برای کسی که خداوند او را به ازدواج دایم بی نیاز نکرده است. او باید به وسیله متعه، عفاف خود را حفظ کند و اگر به وسیله ازدواج دایم، از متعه بی نیاز شد، در صورتی متعه برای او مباح است که از همسر خود (به واسطه سفر و...) غایب باشد. و نیز حضرت به بعضی از موالی خود نوشت: *لَا تَلْحُوا عَلَيَّ الْمُتْعَةَ، إِنَّمَا عَلَيْكُمْ إِقَامَةُ السُّنَّةِ، فَلَا تَشْغَلُوا بِهَا عَنْ فَرَشِكُمْ وَحِرَائِكُمْ*؛ [۲]. اصرار بر متعه نکنید. بر شماست که اقامه سنت کنید. به وسیله متعه، خود را از همسران دایمی بازدارید... بنابراین، اسلام می خواهد نظام خانواده و جذب و انجذاب دایمی زن و شوهر را تحکیم بخشد و هرگونه عاملی که به این امر لطمه زند، از سر راه بردارد و به همین جهت است که ازدواج موقت، با دوشیزگان، مشروط به اذن ولی است و هنگامی که از امام صادق (ع) در این باره سؤال می شود، می فرماید: *يُكْرَهُ لِلْعَيْبِ عَلَى أَهْلِهَا*؛ [۳]. پسندیده نیست، زیرا برای خانواده دختر عیب است. می دانیم که اصل حکم متعه در قرآن کریم، به صورت زیر بیان شده است: *فَمَا اسْتَتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً*؛ [۴]. هر آنچه از زنان بهره برده اید، اجرتشان را که بر شما واجب است بدهید. در این آیه شریفه کلمه (استمتاع) ظهور در ازدواج موقت دارد و در زمان نزول این آیه نیز ازدواج موقت در میان مردم رواج داشته و قرآن توصیه کرده است که به اجرتی که زن و مرد در ازدواج موقت توافق کرده اند، وفا بشود. در زمان پیامبر و مدت ها بعد از رحلت ایشان، ازدواج موقت در میان مسلمین رایج بود تا این که خلیفه دوم با تأکید و تصریح به این که در زمان پیامبر خدا حلال بود، تحریم کرد و گویا نظرش این بود که از ولایت و حاکمیت خود استفاده کرده، به عنوان ثانوی و به حکم ضرورت از آن نهی و منع کند و پرواضح است که عناوین ثانویه و ضرورت، نمی تواند دلیل بر حرمت دایمی باشد، ولی اهل تسنن، بدون توجه به جهت صدور حکم، این تحریم را دایمی تلقی کردند و هنوز که هنوز است، آثار ناگوار این طرز تلقی دامنگیرشان است. اکنون نمی خواهیم درباره این که آیا واقعاً نظرش تحریم به عنوان ثانوی بوده یا نه و آیا حاکم، چنین ولایتی دارد یا ندارد، بحثی کنیم. آنچه مسلم است، این است که اگر هم نظر خلیفه، تحریم ازدواج موقت از لحاظ ضرورت و به عنوان ثانوی بوده، امامان معصوم ماه ضرورت را در جهت حلیت و مشروعیت آن می دیده و تصریح فرموده اند که: *مَا كَانَتِ الْمُتْعَةُ إِلَّا رَحْمَةً رَحِمَ اللَّهُ بِهَا أُمَّةً مُحَمَّدٍ لَوْلَا نَهْيُهُ عَنْهَا مَا اخْتَجَّ إِلَى الزَّوْنِ إِلَّا شَفَاؤًا*؛ [۵]. متعه، نسیم رحمت است که خداوند بر امت محمد وزیده و اگر وی از آن نهی نمی کرد، هیچ کس محتاج زنا نبود مگر افراد بدبخت. البته این احتیاج، طبیعی نیست که مجوز زنا باشد، بلکه طبق بعضی از روایات، زائیده شقاوت و انحراف است و شبیه احتیاجی است که شخص معتاد، به الکل یا هروئین دارد. می بینیم که لحن ادله تشریح ازدواج موقت، نمایانگر گشایش راهی در تنگنای زندگی است و چنین به نظر می رسد که ازدواج موقت، برزخی است میان تجرد و تأهل. در تنگنای تجرد و عدم امکان تأهل، چه باید کرد! قبلاً هم گفته ام: جوانی که می خواهد دو سال دوره سربازی را بگذراند، چه کند جوانی که می خواهد در دیار غربت تحصیل علم و تخصص کند، چه چاره ای بجوید! در مسافرت های دور و دراز، که در دنیای امروز، کم هم نیست،

چه علاجه‌ای برای غرایز جنسی زنان و مردان، باید اندیشید! در این حالات، نه مجرد قابل تحمل است و نه تأهل. پس باید حد وسط و برزخ میان آن دو انتخاب شود و زن و مرد با تعیین مدت و مهر با یکدیگر ازدواج کنند و پس از پایان مدت، اگر زن به مرحله یائسگی نرسیده است عده نگاه دارد. در صورتی که باردار است، باید تا وضع حمل، عده نگاه دارد و کودکی که از آنها به دنیا می‌آید، تمام احکام و حقوق خود را بر والدین دارد. اگر باردار نیست، در صورتی که عادت ماهانه نمی‌بیند، تا چهل روز در عده شوهر است و در صورتی که عادت ماهانه می‌بیند، باید صبر کند تا دوبار حیض شود. [۶]. البته، با توجه به این که فلسفه ازدواج موقت، رفع ضرورت و نیاز است، بهتر این است که زن و مرد، از انعقاد نطفه جلوگیری کنند و خود را به مسؤولیت‌های طولانی بعدی گرفتار نسازند. با این حال، این نیز به خواست خود آنها بستگی دارد و جنبه الزام و اجبار ندارد. در یکی از روایات از جابر بن عبدالله انصاری و سلمه بن اکوع، نقل شده است که: در یکی از لشکرهای اسلام، (در حال جنگ یا آماده باش) بودیم. پیامبر خدا نزد ما آمد و فرمود: *إِنَّهُ قَدْ أَذِنَ لَكُمْ أَنْ تَتَمَتَّعُوا فَأَسْتَمْتَعُوا*؛ [۷]. به شما اجازه داده شده است که متعه کنید. بنابراین، می‌توانید متعه بگیرید. این روایت نیز نمایانگر یکی از تنگناهای زندگی است و معلوم می‌شود که سپاهیان اسلام کاملاً در مضیقه بوده‌اند، به خصوص که معمولاً سپاهیان، جوانان مجرد یا تازه داماد هستند و مجرد، مشکل بزرگ زندگی آنهاست و آن توصیه‌ای که اسلام در مورد روزه گرفتن جوانان مجرد و شکستن موج شهوت دارد، در میدان نبرد - که باید نیروها بیشتر باشد - عملی نیست و بنابراین، در صورت امکان متعه، تنها راه خروج از دشواری همین است. ساجیکوموراتا نیز به این حقیقت توجه کرده است و در کتاب خود می‌نویسد: این گونه افراد نومسلمان، وقتی در میدان جنگ بودند، چه وضع و حالتی داشتند طبیعت بشر بر آنها حکم می‌کرد و حالت مادی نیز بر آنها حاکم بود؛ پس واجب بود برای چنان اوضاع و شرایطی ازدواج موقت تشریح شود تا اشکالات آنها رفع گردد و تکالیف زوجیت را ازدوش آنها بردارد. بدین جهت، نکاح متعه تشریح شد... و آن به دلیل این بود که لشکر، احتیاج به جوانانی داشت که دارای زن و فرزند نبودند و نمی‌توانستند ازدواج دائم کنند و از جهت دیگر معقول نبود در چنان حالت به آنها گفته شود که برای جلوگیری از شهوت، روزه بگیرند، زیرا به هیچ وجه در میدان جنگ، ضعف لشکریان صلاح نبود؛ بنابراین، علت تشریح متعه، عبارت از این وضع خاص و حالت فوق العاده بود. [۸].

علت یا حکمت

در این جا لازم است به یک مطلب اساسی و اصولی توجه شود که ممکن است در بحث‌های دیگری از قبیل بحث طلاق و تعدد زوجات نیز مفید واقع شود و آن این است که: از قراین و شواهد روایی و اجتماعی معلوم می‌شود که تشریح حکم متعه، از سوی قانونگذار اسلام، با توجه به رفع مشکلات افراد مجرد و جلوگیری از خطرات انحراف بوده و در خود قرآن نیز بعد از آن که تجویز کرده است که در صورت عدم تمکن نسبت به ازدواج دائم، با زنان آزاد، یا زنان غیر آزاد زناشویی کنند و همچنین تجویز ازدواج موقت، می‌فرماید: *يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا*؛ [۹]. خداوند می‌خواهد که به شما تخفیف دهد و انسان، ضعیف آفریده شده است. با دقت در مجموع آیات ۲۴ تا ۲۸ سوره نساء استنباط می‌شود که: از نظر اسلام، اساس این است که مردان به طور دائم، با زنان آزاد، ازدواج کنند؛ اما اگر ضرورتی پیش آید، با یک درجه تخفیف، انسان مجاز می‌شود که با زن غیر آزاد، ازدواج کند یا به ازدواج موقت روی آورد. حال سؤالی که در این جا قابل طرح است، این است که آیا این ضرورت، علت جواز ازدواج موقت است یا حکمت آن. اگر علت باشد، حکم بر همان محور دور می‌زند و در غیر مقام ضرورت، ازدواج موقت، جایز نیست و اگر حکمت باشد، حکم بر آن محور نمی‌چرخد و بنابراین، برای کسی که اضطرار هم ندارد، ازدواج موقت جایز است. نظیر همین مطلب را در طلاق و تعدد زوجات نیز می‌توان مطرح نمود که به خواست خدا در جای خود بحث خواهیم کرد. در روایات، دلیل محکمی که ما را قانع کند که ضرورت، علت حکم است، وجود ندارد و می‌بینیم که سیره مسلمین نیز بر این

نبوده و احیاناً به منظور ایجاد محرمیت، از متعه استفاده شده است و در روایات نیز آمده است که: اصرار بر متعه نکنید و به وسیله متعه، خود را از همسران دایم باز ندارید و بالاخره، علی رغم خودداری اهل تسنن، اقامه سنت نیز مسأله ای است. در قانونگذاری معمولاً چنین وضعی پیش می آید؛ یعنی امری حکمت به وجود آمدن قانونی می شود که تعمیم پیدا می کند و در موارد دیگر نیز از آن قانون استفاده می شود. مانند این که قوه مقننه قانونی بگذراند که دولت برای کمک به خانواده های محروم، گوشت را به قیمت ارزان تری به مردم بدهد و مازاد قیمت را از بیت المال بردارد و به اصطلاح، یارانه بدهد. راست است که این کار، به منظور تسهیل و تخفیفی است بر خانواده های محروم و کم درآمد، منتها خانواده های متوسط و پردرآمد نیز از آن استفاده می کنند؛ اما جا دارد که آنها از این قانون، سوء استفاده نکنند و بگذارند فقط همان طبقه بهره مند شوند و آنهایی که متمکن هستند خود را کل بر دولت و بیت المال نسازند. در مسأله مورد بحث ما نیز یک ضرورت، حکمت این شده است که قانون ازدواج موقت از سوی خداوند اعلام شود. از این قانون، همه می توانند استفاده کنند، اما بهتر است که هر کسی خود را مورد سؤال قرار دهد که آیا برای او هم ضرورتی وجود دارد که به سراغ ازدواج موقت برود یا نه! خلاصه، اگر هدف از ازدواج موقت، تنوع طلبی و چشیدن زنان گوناگون است، کار حرامی نیست، بلکه حلال است، اما حلال مذموم و منفور! و اگر هدف، رفع ضرورت و فرونشاندن عطش و گریز از زنا و گناه است، حلال است و حلال ممدوح! از آن جا که در صدر اسلام با عنوان شدن مسأله تحریم، وضعی پیش آمد که ممکن بود یک حکم خدا به طور کلی به دست فراموشی سپرده شود، یک انگیزه دیگر نیز بر انگیزه اصلی افزوده شد و آن این که: افراد متعه کنند، برای این که ترک متعه سنت نشود و قبیحی که بعضی برای آن در یک جو سازی افراطی به وجود آورده بودند، از بین برود. امام صادق(ع) فرمود: من نمی پسندم که مردی بمیرد و یکی از برنامه های پیامبر خدا را به جای نیاورد. پرسیدند: پیامبر خدا متعه کرد فرمود: آری. [۱۰]. وانگهی، وقتی اسلام، تمام کوشش خود را از لحاظ برنامه ریزی زندگی خانوادگی و مسائل تربیتی و اخلاقی متوجه تحکیم خانواده و دوام و بقای آن کرده، چگونه ممکن است به گونه ای با مسأله ازدواج موقت برخورد کند که نتیجه اش سست شدن پایه های خانواده و ایجاد دافعه میان زوجین باشد! اسلام برای دلبستگی های زن و شوهر به یکدیگر زمینه ساز است و برای پیدایش گریز و بی میلی در میان آنها مانع است و به همین جهت، رهبر بزرگوار اسلام فرمود: هر گاه یکی از شما متوجه زنی زیبا بشود، باید به سراغ همسر خود برود و نیاز و هیجان خود را دفع کند که در واقع، هر دو یکی هستند. یکی پرسید: اگر همسر ندارد، چه کند فرمود: چشم به آسمان بیندازد و از فضل خداوند، سؤال کند. [۱۱]. به یقین، افسار گسیختگی در متعه، سوء استفاده از قانون متعه و زمینه ساز شدن رشته علاقه و دلبستگی زن و شوهر و به سردی گراییدن روابط زوجین است و هرگز اسلام چنین چیزی نمی پسندد.

پاورقی

- [۱] روضه المتقین، ج ۸، ص ۴۷۸.
- [۲] روضه المتقین، ج ۸، ص ۴۷۸.
- [۳] همان، ص ۴۸۰.
- [۴] نساء (۴) آیه ۲۴.
- [۵] روضه المتقین، ج ۸، ص ۴۵۵.
- [۶] بعضی گفته اند: احوط ۴۵ روز است و همچنین دوبار حیض یا دوبار پاکی هر کدام که بیشتر است عده نگاه دارد.
- [۷] روضه المتقین، ج ۸، ص ۴۵۵.
- [۸] ازدواج موقت، ص ۷۹.

[۹] نساء (۴) آیه ۲۸.]

[۱۰] همان، ص ۵۰۷.

[۱۱] همان، ص ۳۴۵.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

(ز) طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
(ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

(ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

(ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR
۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بپدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

